



تحلیل ظرفیت فضاهای ناکارآمد شهری در بازآفرینی هویت شهری

خاطره محبوب متقی^{۱*}

۱- کارشناسی معماری، مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی رشت kh.motaghi@yahoo.com

خلاصه

فضاهای ناکارآمد شهری بخش مهمی از ساختار کالبدی شهرها را تشکیل می‌دهند و به دلیل عواملی مانند تغییرات کاربری، توسعه ناپیوسته، فرسودگی یا رهاشدگی، غالباً بلااستفاده و ناکارآمد باقی می‌مانند. این فضاها در صورت عدم مدیریت می‌توانند موجب تضعیف انسجام شهری، کاهش کیفیت محیط و افت سرزندگی اجتماعی شوند. با این حال، این فضاها ظرفیت بالقوه‌ای برای بازآفرینی و ارتقای هویت شهری فراهم می‌کنند و می‌توانند زمینه‌ای برای تقویت تعامل اجتماعی، ارتقای حس تعلق شهروندان و ایجاد مکان‌های زنده و پویا باشند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی ظرفیت فضاهای خالی شهری در فرآیند بازآفرینی هویت شهری پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بهره‌گیری خلاقانه از این فضاها از طریق ایجاد کاربری‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی، احیای بافت‌های ناکارآمد و تقویت ویژگی‌های هویتی مکان، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهری دارد. همچنین مشارکت فعال شهروندان، توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و طراحی متناسب با ویژگی‌های کالبدی فضا، از عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی این فضاها محسوب می‌شوند.

کلمات کلیدی: فضاهای ناکارآمد شهری، فضاهای شهری، بازآفرینی شهری، هویت شهری

۱. مقدمه

شهرها موجوداتی زنده و پویا هستند که همواره در حال تحول‌اند و ساختار و کارکرد آن‌ها با تغییر نیازها و رفتارهای جمعیت شهری تغییر می‌کند. در این فرایند، فضاهایی در بافت شهری شکل می‌گیرند که به دلایل متعددی مانند تغییرات نامنسجم عملکرد فضایی، افزایش غیرهمگون شهری یا متروکه، به شکل غیرفعال و کم‌استفاده باقی می‌مانند. این فضاهای ناکارآمد، اگر مورد توجه قرار نگیرند، علاوه بر ایجاد اختلال در یکپارچگی کالبدی، می‌توانند تأثیر منفی بر بازدهی سطح زندگی شهروندان و روابط جمعی داشته باشند و بخشی از هویت شهری را به حاشیه ببرند. با این حال، فضاهای ناکارآمد شهری ظرفیت بالقوه‌ای برای بازآفرینی فراهم می‌کنند. با بهره‌گیری از رویکردهای خلاقانه در طراحی و کاربری، این فضاها



می‌توانند به میدان‌هایی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تفریحی تبدیل شوند و در شکل‌گیری هویت شهری نقش داشته باشند. بازآفرینی هوشمند این فضاها نه تنها موجب افزایش سرزندگی و نشاط محیط شهری می‌شود، بلکه حس تعلق و پیوند شهروندان با مکان را تقویت می‌کند و امکان تجربه‌ای مثبت از محیط شهری را فراهم می‌آورد. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از فضاهای خالی، با وجود ظرفیت بالای خود، مغفول مانده و بلااستفاده باقی می‌مانند. شناخت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این فضاها، بررسی راهکارهای بازآفرینی و طراحی متناسب با ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، می‌تواند به برنامه‌ریزی شهری کمک کند تا این نقاط کم‌استفاده به منابع فعال، ارزشمند و مؤثر در بالا بردن سطح مطلوبیت و ویژگی‌های شهری تبدیل شوند

پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

فضاهای ناکارآمد شهری چه ویژگی‌ها و کارکردهایی دارند که می‌توانند در بازآفرینی هویت شهری نقش آفرین باشند؟
چه شاخص‌ها و معیارهایی برای ظرفیت فضاهای ناکارآمد در فرایند بازآفرینی شهری قابل شناسایی است؟
چگونه می‌توان از طریق بازآفرینی خلاقانه فضاهای ناکارآمد سرزندگی شهری و هویت مکان را تقویت کرد؟

۲. پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی فضاهای خالی و ناکارآمد شهری پرداخته‌اند و اهمیت آن‌ها در ارتقای کیفیت محیط شهری و بازآفرینی هویت شهری مورد توجه قرار گرفته است. فضاهای خالی شهری، با وجود ظاهر کم‌استفاده، ظرفیت بالقوه‌ای برای ایجاد فضاهای فعال، تقویت تعامل اجتماعی و ارتقای سرزندگی محیط شهری دارند [۱]. مطالعه‌ای در شیراز نشان داد که تحلیل و مدیریت این فضاها می‌تواند ضمن بهبود عملکرد شهری، زمینه‌ساز توسعه کاربری‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی شود [۲]. فضا بنا به شدت واقعه و تاثیر آن، مملو از صور متفاوت جزئیات می‌گردد. آن درخت، این گذر و ... ، همه و همه می‌توانند اجزا فضایی باشند که در خاطره‌های نسل‌ها بهم پیوند خورده‌است [۳]. علاوه بر این، مشارکت فعال شهروندان و توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بافت، از عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی این فضاها محسوب می‌شود. در نهایت، مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هنوز بسیاری از فضاهای خالی و ناکارآمد شهری مورد غفلت قرار گرفته‌اند و پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند به ارائه راهبردهای عملی برای مدیریت و بهره‌برداری بهینه از این فضاها کمک کند و نقش آن‌ها در تقویت هویت و کیفیت محیط شهری را روشن سازد.



۳. روش تحقیق

روش این پژوهش بر مبنای توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است. در گام نخست، به منظور شناسایی فضاهای ناکارآمد شهری، مشاهدات میدانی در سطح شهر رشت صورت گرفت و فضاهایی که دارای ویژگی‌های رهاشدگی، کم‌بازده بودن یا بی‌استفاده ماندن بودند، مورد توجه قرار گرفتند. این مرحله جنبه توصیفی تحقیق را تشکیل می‌دهد که هدف آن ارائه تصویری روشن از وضعیت موجود در بافت شهری است. در ادامه و برای مرحله تحلیلی، ویژگی‌های هر یک از فضاهای شناسایی شده از نظر موقعیت مکانی، وسعت، شرایط کالبدی و ظرفیت‌های بالقوه بازآفرینی بررسی گردید. سپس سه نمونه شاخص از این فضاها انتخاب شد تا به صورت دقیق‌تر تحلیل شوند. در این تحلیل، به جای استفاده از داده‌های کمی یا مدل‌های پیچیده، تمرکز بر ارزیابی کیفی ظرفیت‌های هر فضا در ایجاد سرزندگی، ارتقای شرایط محیطی و تقویت شخصیت شهری قرار گرفت. بنابراین، روش تحقیق حاضر بر پایه ترکیب مشاهده مستقیم، بررسی اسناد و تحلیل کیفی شکل گرفته و هدف آن، نه ارائه آمارهای عددی، بلکه آشکار ساختن فرصت‌های بازآفرینی فضاهای ناکارآمد در راستای ارتقای کارکرد و ارزش آن‌ها در بافت شهری است.

۴. فضاهای ناکارآمد شهری

فضاهای ناکارآمد شهری به بخش‌هایی از شهر اطلاق می‌شود که به دلایل مختلفی چون فرسودگی کالبدی، ضعف عملکردی، تغییر کاربری‌های نامناسب یا فقدان زیرساخت‌های ضروری، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به محیطی کم‌بازده یا بی‌استفاده تبدیل شده‌اند. این فضاها می‌توانند شامل بافت‌های فرسوده، زمین‌های متروک، ساختمان‌های نیمه‌کاره، فضاهای باز بی‌کارکرد، و حتی بخش‌هایی از شبکه معابر کم‌استفاده باشند. مطالعات نشان می‌دهند که فضاهای ناکارآمد شهری علاوه بر مشکلات کالبدی، می‌توانند منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش احساس امنیت، افت کیفیت زندگی و کاهش تعاملات اجتماعی در سطح محله شوند. به عنوان مثال، پژوهشی در شهر مراغه نشان داده است که بافت‌های ناکارآمد شهری ارتباط مستقیمی با افزایش آسیب‌های اجتماعی دارند [۴]. با این حال، فضاهای ناکارآمد شهری صرفاً تهدید محسوب نمی‌شوند، بلکه می‌توانند به عنوان پتانسیل‌های نهفته برای بازآفرینی شهری مطرح گردند. بازآفرینی این فضاها از طریق تغییر کاربری، احیای کالبدی و ایجاد کارکردهای فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در ارتقای هویت شهری و افزایش سرزندگی مؤثر باشد. پژوهشی در شهر یزد نشان داده است که رویکرد بازآفرینی پایدار شهری، با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی، می‌تواند به بهبود وضعیت بافت‌های ناکارآمد کمک کند [۳]. فضاهای ناکارآمد شهری* به بخش‌هایی از شهر اطلاق می‌شوند که به دلایل مختلفی چون فرسودگی کالبدی، ضعف عملکردی یا تغییر کاربری‌های نامتناسب، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به محیطی کم‌بازده یا بی‌استفاده تبدیل شده‌اند [۵]. بر اساس تجربه کشورهای مختلف، موفقیت

* (Urban Inefficient/Derelict Spaces)



در ساماندهی فضاهای ناکارآمد نیازمند رویکردی یکپارچه، مشارکت شهروندان و توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بافت است [۶].

۵. فضاهای شهری

فضاهای شهری به عنوان عرصه‌ای برای فعالیت اجتماعی، تعامل فرهنگی و بازتولید هویت شهر شناخته می‌شوند. آن‌ها علاوه بر نقش کالبدی، زمینه‌ساز تعاملات مردم و تقویت حس تعلق هستند، به‌ویژه در مکان‌هایی مانند گذرها، میدان‌ها و فضاهای عمومی [۱]. در واقع انسان‌ها محیط اجتماعی اطراف خود را درک می‌کنند فعالانه آن را برای ایجاد زندگی خود و نظام‌های اجتماعی که خود نقشی در آن‌ها دارند مورد استفاده قرار می‌دهند. فضای شهری به عنوان گره‌ای از جوامع انسانی و جمعی از مردم و اشیاء مادی از عناصر و اجزا مختلفی تشکیل شده‌است. در واقع برای تشخیص یک فضای شهری علاوه بر وجود عناصر تشکیل دهنده، باید رابطه میان آن‌ها نیز برای فرد ناظر قابل ادراک باشد و فرد بتواند از رابطه موجود، ساختاری در ذهن خود ایجاد نماید. به این ترتیب فضای شهری هدفمند بوده و بستر رویدادهای مشخصی خواهد گردید [۷]. علاوه بر این، مفهوم‌شناسی فضای شهری در معماری ایرانی تأکید می‌کند که فرم فضا باید با محتوای اجتماعی همراه باشد تا فضای شهری بتواند هویت‌ساز و پایدار باشد [۸]. فضاهای شهری* به عرصه‌های عمومی و نیمه‌عمومی در ساختار شهر گفته می‌شود که بستر تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های روزمره، و تجربه‌های مشترک شهروندان را فراهم می‌کنند [۹]. این فضاها شامل میدان‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌راه‌ها، پارک‌ها و سایر عرصه‌هایی هستند که نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت شهری و سرزندگی شهر ایفا می‌کنند [۱۰]. اهمیت فضاهای شهری در این است که آن‌ها فراتر از نقش کالبدی خود، به‌عنوان محل شکل‌گیری روابط اجتماعی، بیان فرهنگی و بازتولید هویت جمعی عمل می‌کنند [۱۱]. کیفیت طراحی و مدیریت این فضاها تأثیر مستقیمی بر میزان استفاده شهروندان و احساس تعلق آن‌ها به محیط دارد [۱۲]. بنابراین، فضاهای شهری نه تنها عناصر کالبدی هستند، بلکه به عنوان عامل پیونددهنده میان انسان، محیط و هویت شهری شناخته می‌شوند [۱۳].

۶. بازآفرینی شهری

از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو، دگرگونی‌هایی در رویکرد بازآفرینی در ابعاد مختلف صورت پذیرفتند که در همسویی با بحث‌های توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گرفتند ساده‌ترین درس‌های گرفته شده از بازآفرینی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی این بود که بازآفرینی چیزی بیش از بحث آجر و ملات بوده‌است. در ادغام با این فرآیند تغییر ظهور بحث پایداری بوده همچنین ادراک این مقوله که شهرها به طور فرایندهای ناپایدار می‌گردند و کیفیت زیست محیطی برای نسل‌های آینده به شدت کاهش و تنزل می‌یابد؛ بنابراین پارادایمی نوین مطرح می‌شود که مطابق با، آن هرگونه طرح بازآفرینی می‌بایست به

* (Urban Spaces)

تمایلات و سیاست‌های اقتصادی اجتماعی پایدار و واقعی توجه داشته باشد در واقع هرگونه تلاشی برای ادغام بازآفرینی شهری و توسعه می‌بایست به عنوان اصل رهبری و بنیادی سیاست شهری، آینده اهداف پایداری را در بر داشته باشد [۱۴]. هدف بازآفرینی شهری تنها اصلاح کالبد شهری نیست؛ بلکه ایجاد تعامل اجتماعی، تقویت هویت مکان و حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی نیز اهمیت دارد [۱۰]. فضاهای خالی شهری به عنوان پتانسیل‌های بالقوه، فرصت‌های ویژه‌ای برای بازآفرینی ایجاد می‌کنند، زیرا امکان طراحی و استفاده مجدد از آن‌ها با رویکردهای خلاقانه و انعطاف‌پذیر وجود دارد [۱۲]. مطالعات نشان می‌دهد که موفقیت بازآفرینی شهری به مشارکت شهروندان، هماهنگی با برنامه‌ریزی شهری و در نظر گرفتن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بستگی دارد [۶].

۷. هویت شهری

هویت شهری به مجموعه ویژگی‌ها، ارزش‌ها، نشانه‌ها و خاطرات جمعی اطلاق می‌شود که شهر را از سایر شهرها متمایز کرده و تصویری خاص از آن در ذهن شهروندان و بازدیدکنندگان ایجاد می‌کند [۱۵]. هر شهر صاحب ویژگی‌های منحصر به فردی است که به واسطه‌ی آن ویژگی‌ها از دیگر شهرها متمایز می‌شود و از طریق این ویژگی‌های متمایز خود را به ما می‌شناساند این ویژگی‌ها و تمایزات همان هویت است در واقع می‌توان گفت هویت، شهر هر مساله‌ی مشترک و یا همه‌ی اشتراکات میان مردم شهر است که آنها را از قالب فرد و خانواده‌های مجزای کنارهم جدا کرده و به آنها هویت جمعی بخشیده و یا از سویی، دیگر میان آنان و گذشتگان‌شان در آن شهر، پیوند و اشتراک ایجاد کند حال این اشتراکات می‌تواند نقطه قوت شهر و عاملی مثبت در تعریف هویت آن باشد و یا عاملی نامطلوب در تعریف هویت شهر شناخته شود [۱۶].

هویت شهری شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌های، کالبدی، فرهنگی تاریخی و اجتماعی است که سبب تمایز یک شهر از سایر شهرها می‌گردد معماری ساختمان‌های شهرداری می‌تواند به عنوان بخشی از کالبد، شهر در شکل‌گیری این هویت نقشی برجسته ایفا کند برای مثال ساختمان‌های شاخص شهرداری در برخی از شهرهای تاریخی ایران همچون تبریز رشت و تهران، نه تنها کارکرد اداری داشته اند بلکه در حافظه‌ی جمعی شهروندان به نمادهایی از هویت محلی و تعلق اجتماعی تبدیل شده‌اند [۱۷].

۸. تحلیل نمونه‌های فضاهای ناکارآمد شهری

بافت شهری رشت همانند بسیاری از شهرهای دیگر، در روند گسترش و تغییرات خود، فضاهایی را به وجود آورده که امروزه بلااستفاده یا کم‌بازده باقی مانده‌اند. این محدوده‌ها اگرچه در نگاه نخست به عنوان نقاطی رهاشده و مزاحم در ساختار شهر به نظر می‌رسند، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان آن‌ها را بسترهایی ارزشمند برای مداخله‌های خلاقانه دانست. بررسی این فضاها نشان می‌دهد که هر یک به واسطه موقعیت جغرافیایی، پیوند با بافت پیرامون و ویژگی‌های کالبدی،

ظرفیت‌هایی نهفته در خود دارند که می‌تواند در بازآفرینی نقش‌آفرین باشد. در این پژوهش، برای روشن‌تر شدن موضوع، سه نمونه از فضاهای ناکارآمد در نقاط مختلف رشت انتخاب شده است. این نمونه‌ها عبارت‌اند از: زمین‌های خالی در بافت مرکزی، ساختمان‌های نیمه‌تمام در امتداد رودخانه گوهررود و محوطه‌های متروکه صنعتی در جنوب شهر. تحلیل این موارد می‌تواند زمینه‌ای برای شناسایی راهکارهای عملی و بازتعریف نقش چنین فضاهایی در ارتقای محیط شهری و افزایش سرزندگی فراهم آورد. در جدول شماره ۱ به بررسی این نمونه‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱- تحلیل نمونه‌های موردی در شهر رشت

تحلیل مکان	ظرفیت‌ها و فرصت‌ها	مشکلات اصلی	وضعیت موجود	ویژگی
زمین خالی در بافت مرکزی رشت	امکان تبدیل به فضای سبز محلی یا کاربری فرهنگی	منظر نامطلوب، نقاط بی‌دفاع شهری	مرکز شهر، نزدیک میدان شهرداری	موقعیت
	ایجاد فضاهای عمومی کوچک مقیاس و افزایش سرزندگی	تهدید امنیتی در ساعات شب	کاهش ارزش بصری و پیوستگی محیطی	تأثیر بر شهر
ساختمان‌های نیمه‌کاره در حاشیه رودخانه گوهررود	بهره‌گیری از طبیعت رودخانه برای بازآفرینی	ساختمان‌های متروکه، منظر نازیبا	امتداد حاشیه رودخانه گوهررود	موقعیت
	امکان ایجاد مسیر پیاده، فضاهای تفریحی و خدماتی	ایجاد ناامنی و تهدیدهای زیست محیطی	کاهش کیفیت محیطی و منظر شهری	تأثیر بر شهر
محوطه‌های متروکه صنعتی در جنوب رشت	بازآفرینی به عنوان کاربری فرهنگی، ورزشی یا نمایشگاهی	وسعت زیاد فضاهای متروکه	جنوب رشت، اراضی صنعتی سابق	موقعیت
	احیای بافت ناکارآمد و تقویت شخصیت شهری	تبدیل به نقاط رهاشده و آسیب‌پذیر	کاهش جذابیت و کارایی محیط	تأثیر بر شهر



۹. جمع‌بندی

فضاهای شهری، به ویژه فضاهای خالی و ناکارآمد، همواره یکی از چالش‌های اصلی در مدیریت و طراحی شهرها به شمار می‌روند. این فضاها اگر به درستی شناسایی و تحلیل نشوند، می‌توانند باعث کاهش کیفیت محیط شهری، ضعف تعاملات اجتماعی و کاهش سرزندگی شهر شوند. با این حال، همین فضاها دارای پتانسیل بالقوه برای بازآفرینی شهری و تقویت هویت شهر هستند. تحلیل ظرفیت فضاهای خالی و ناکارآمد، ضمن شناسایی ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، امکان ارائه راهکارهای خلاقانه برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و ایجاد فضاهای فعال و کارآمد را فراهم می‌کند. بازآفرینی این فضاها با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، می‌تواند موجب تقویت حس تعلق شهروندان، افزایش سرزندگی شهری و شکل‌گیری هویت پایدار برای بافت‌های شهری شود. به طور کلی، مدیریت و بهره‌برداری هوشمندانه از فضاهای خالی و ناکارآمد، نه تنها فرصت‌های تازه‌ای برای بهبود عملکرد شهری ایجاد می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای توسعه شهری مبتنی بر هویت و تعامل اجتماعی فراهم می‌آورد. این روند نشان می‌دهد که فضاهای به ظاهر کم‌ارزش، در واقع می‌توانند محور تحول و بازآفرینی شهری باشند و نقش مهمی در آینده شهرها ایفا کنند.

۱۰. نتیجه‌گیری

فضاهای شهری، به ویژه فضاهای خالی و ناکارآمد، از عناصر مهمی هستند که شکل و هویت شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تحلیل و شناسایی ظرفیت این فضاها، فرصتی برای تبدیل آن‌ها از نقاط کم‌استفاده به عناصر فعال و پویا فراهم می‌کند. بازآفرینی این فضاها، ضمن ارتقای کیفیت محیطی، می‌تواند تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی و حس تعلق شهروندان به محیط شهری را افزایش دهد. مطالعات نشان می‌دهند که استفاده هوشمندانه از فضاهای خالی و ناکارآمد، نه تنها به بهبود عملکرد شهری کمک می‌کند، بلکه به شکل‌گیری هویت شهری قوی‌تر نیز منجر می‌شود. برنامه‌ریزی و طراحی مناسب این فضاها نیازمند نگاه یکپارچه به ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر است. علاوه بر این، مشارکت فعال شهروندان در فرآیند بازآفرینی، عاملی کلیدی در موفقیت پروژه‌ها و ایجاد فضاهای با کیفیت محسوب می‌شود. در نهایت، فضاهای ناکارآمد و خالی شهری نباید صرفاً به عنوان چالش دیده شوند؛ بلکه آن‌ها فرصت‌های ارزشمندی برای نوآوری، ارتقای سرزندگی شهری و تقویت هویت مکان فراهم می‌کنند. بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها می‌تواند مسیر توسعه شهری را به سمت شهرهای زنده، پویا و هویت‌مند هدایت کند و نشان دهد که هر فضایی، حتی اگر در ظاهر کم‌استفاده باشد، قابلیت تبدیل شدن به محور تحول شهری را دارد.



منابع

۱. فلاح، محمدحسین و گنجویی، فرزاد (۱۳۸۴). هویت مکانی یک فضای شهری. اولین کنفرانس ملی آینده پژوهشی در معماری و شهرسازی ایران.
۲. قشمی، سید سجاد و کهوند، مقداد و قیطرانی، نیما (۱۳۹۲). بررسی فضاهای شهری بر اساس تعاریف مختلف از مفهوم فضای شهری از منظر بزرگان نمونه موردی: پنج فضای شهری شیراز، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان.
۳. حبیبی، م. جامعه مدنی و حیات شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۲۱-۳۳، ۱۳۷۸.
۴. پوراحمد، احمد؛ حاتمی‌نژاد، حسین و ملکی، رباب (۱۳۹۹). بررسی تاثیر بافت‌های ناکارآمد شهری بر آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شهر مراغه). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۳(۲)، ۳۷-۵۲.
5. Trancik, R. (1986). Finding Lost Space: Theories of Urban Design. New York: Van Nostrand Reinhold.
6. Tasan-Kok, T. (2010). The Governance of Urban Regeneration in Europe. European Urban and Regional Studies, 17(1), 3-22.
۷. علی الحسابی، مهران و تاجیک، عاطفه (۱۴۰۲). واکاوی چارچوب بازآفرینی میراث مینا در شبکه فضاهای شهری محلات تاریخی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری.
۸. هداوند میرزایی، عباس (۱۴۰۰). مفهوم‌شناسی فضای شهری و هویت آن در شهرسازی و معماری ایران. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در معماری، عمران و شهرسازی.
9. Madanipour, A. (1996). Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-spatial Process. Chichester: Wiley.
10. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design. 3rd edition. Oxford: Architectural Press.
11. Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). Public Space. Cambridge: Cambridge University Press.
12. Gehl, J. (2011). Life Between Buildings: Using Public Space. Washington DC: Island Press.



13. Cullen, G. (1971). The Concise Townscape. London: Architectural Press.

14. Blackman, T (1995). Urban Policy in Poutledge, London.

۱۵. محسن پور، الهام و فلاح، محمدصادق، ۱۳۹۲، نقش عوامل ایجادکننده هویت شهری در حیات بخشی بافت های

تاریخی مطالعه موردی بافت فرسوده شهر زنجان، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج.

۱۶. محسن پور، الهام، و کلامی، مریم (۱۳۹۵). نقش عوامل ایجاد کننده هویت شهری در حیات بخشی شهرهای

اسلامی (مطالعه موردی بافت دروازه فین کاشان). همایش ملی بافت های فرسوده و تاریخی شهری.

۱۷. کریمی، محمد (۱۳۹۸). مطالعات تطبیقی هویت شهری و معماری اداری. قم: پژوهشگاه علوم انسانی.